

عنوان مقاله:

انعکاس مفاهیم بی عدالتی و فلاکت جامعه روستایی در ادبیات نوین ترکیه و ایران (با تاکید بر داستان های محمود دولت آبادی و اورهان کمال)

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، دوره 18، شماره 44 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

زینب چراغی - دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، پردیس دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

عبدالناصر نظریانی - استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

بهمن نزهت - دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

خلاصه مقاله:

در ادبیات نوین ایران و ترکیه پیدایش و سیر تحول داستان و انواع آن از ابتدا روال مشابهی را پیموده است. ادبیات داستانی هر دو کشور از بدو شکل‌گیری متأثر از ادبیات غرب هستند که این تأثیر عمدتاً از طریق ترجمه‌ی متون و آثار ادبی به دست آمده است. نتیجه‌ی این تأثیر، شکل‌گیری جریان‌های گوناگون داستان‌نویسی خواه از لحاظ شکل و خواه از لحاظ مضمون و محتوا است. اورهان کمال یکی از برجسته‌ترین داستان‌نویسان ترکیه است که آثار متعددی از او به فارسی ترجمه شده است و یکی از پیشروان ادبیات روستایی است. محمود دولت‌آبادی نیز یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان معاصر ایران است که ادبیات اقلیمی در آثار او مشهود است. این تحقیق کاوشی است تطبیقی با هدف شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در داستان‌های «برخاک‌های حاصلخیز» اورهان کمال و «جای خالی سلوچ» دولت‌آبادی که بر مبنای روش تحلیلی _ توصیفی نوشته شده است. با بررسی هر دو اثر می‌توان به این نتیجه رسید که کمال و دولت‌آبادی پلیدی، پریشانی، بی عدالتی و فقر و فلاکت موجود در جامعه روستایی را با ریزینی و دقت توصیف می‌کنند. اهداف پژوهش: واکاوی عوامل موثر بر فلاکت و از هم پاشیدگی جامعه روستایی در کشورهای ایران و ترکیه. تطبیق رمان اقلیمی جای خالی سلوچ و رمان بر خاک‌های حاصلخیز. سولات پژوهش: آیا کشورهای ایران و ترکیه رویدادهای تاریخی، شرایط اجتماعی و فرهنگی مشترکی در پایان آغاز سده چهاردهم شمسی تجربه کرده‌اند؟ کدام تصمیم سیاسی مشترک باعث نابودی جامعه روستایی در ترکیه و ایران شد؟

کلمات کلیدی:

جامعه روستایی، اورهان کمال، یحیی دولت‌آبادی، جای خالی سلوچ، بر خاک‌های حاصلخیز

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1438918>

